

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

از سخنرانی‌های حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی داماد آیت الله العظمی

ترجمه / علی خنیفرزاده

به اهتمام / مؤسسه فرهنگی رسول اکرم علیه السلام

WWW.SHIRAZI.IR

info@s-alshorazi.com

نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار / مردادماه ۱۳۸۵

شمارگان / ۱۰۰۰۰

چاپ / بهار

قیمت / ۲۰۰ تومان

ناشر / انتشارات سلسله

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کدپستی / ۱۳۹۹۳-۳۷۱۳۷

صندوق پستی / ۳۷۱۶۵-۱۴۸

تلفن / ۷۷۳۰۷۱۷

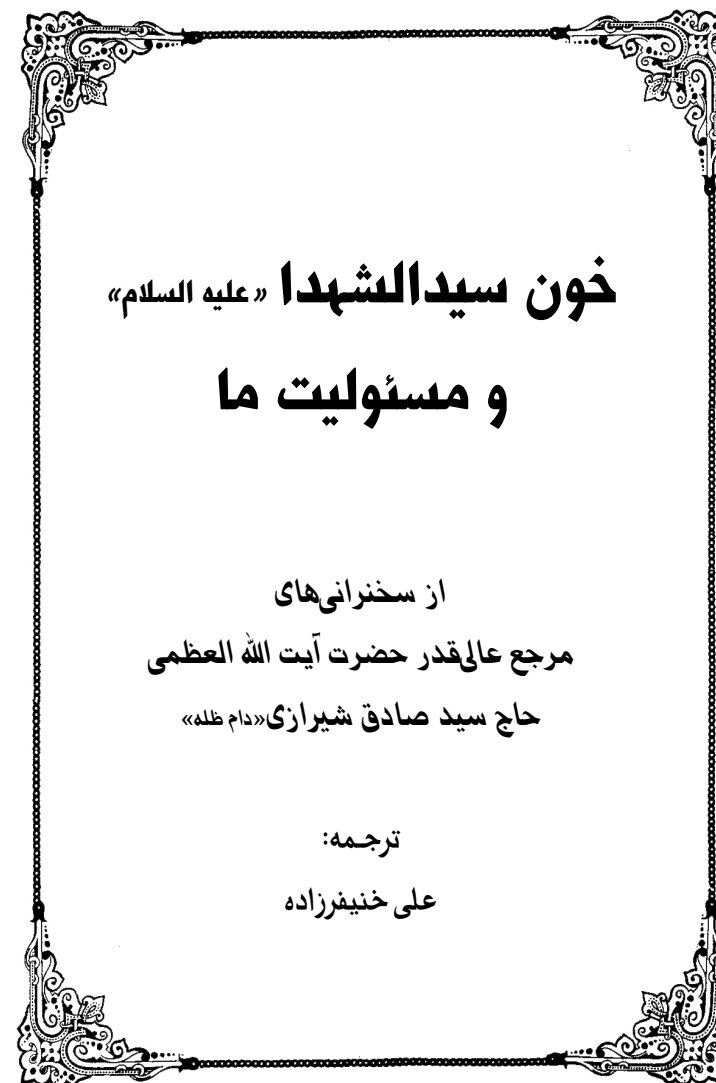
فاکس / ۷۷۴۹۱۰۸

مدیر فروش / ۰۹۱۲۱۵۳۹۳۶۰

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E.Mail: Selseleh_pub@Hotmail.com

شابک / ۹۶۴-۸۷۸۸-۳۱-۶-۲ ISBN: 964-8788-47-2



فهرست

درآمد.....	۷
ضامن خون سیدالشهدا علیه السلام کیست؟.....	۱۱
معنای ضمانت زمین.....	۱۴
معنای ضامن بودن ساکنان زمین.....	۱۸
حضرت ابراهیم و واقعه کربلا.....	۲۱
مسئولیت ما در قبال سیدالشهدا علیه السلام.....	۲۴
کیفر استثنایی دشمنان امام حسین علیه السلام.....	۲۹
ثواب استثنایی زیارت امام حسین علیه السلام.....	۳۵

۸.....خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

حسن مجتبی علیه السلام، و از این نکته در دعاها و زیارات بارها سخن به میان آمده است.^(۱) البته روشن است که این سخن بدان معنا نیست که فداکاری دیگر ذوات مقدسه در راه خدای سبحان کم‌تر از ایشان است؛ زیرا آنان نور واحدند و در عین حال از آن جناب برتر می‌باشند، همچنان‌که خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا فرمودند: «جدي خير متي، وأبي خير متي، وأمي خير متي، وأخي خير متي؛ جدم، پدرم، مادرم، و برادرم بهتر از من هستند». ولی فداکاری‌هایی که خدای متعال برای سیدالشهدا علیه السلام مقدر فرمود، برتر و بی‌مانند بود و لذا خدای متعال آن حضرت را به عطا‌هایی ویژه مخصوص گردانید، و اگر آنچه برای ایشان مقدر شده بود، برای یکی

بسم الله الرحمن الرحيم

درآمد

حضرت سیدالشهدا علیه السلام هر چه داشت در طبق اخلاص نهاد و به‌شکلی استثنایی و بی‌مانند در راه خدای متعال فدا نمود. از این‌رو خدای متعال نیز به ایشان مواردی استثنایی و بی‌مانندی عطا فرمود که به هیچ‌کس قبل یا بعد از ایشان عطا نکرده است. خدای تعالی امام حسین علیه السلام را از عطا‌یای ویژه‌ای برخوردار ساخت که حتی کسانی‌که از امام حسین علیه السلام برترند نیز از آن عطاها بهره‌مند نیستند: یعنی جد بزرگوارشان محمد مصطفی، پدر ارجمندشان امیرالمؤمنین، مادر و الامقام‌شان فاطمه زهرا و برادر گرامی‌شان امام

۱ . صرف نظر از روایات بسیاری که در این باب نقل شده، از ابن عباس روایت شده است که گفت: خدای متعال به پیامبر وحی کرد که من به کیفر کشتن یحیی بن زکریا هفتاد هزار نفر را کشتم و به کیفر کشتن پسر دخترت هفتاد هزار و هفتاد هزار [صد و چهل هزار] تن را خواهم کشت (نگ: بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۸؛ مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۵۹۲ و نیز: ج ۳، ص ۱۷۸؛ ابن حجر، لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۵۷، شماره ۱۴۱۱؛ همو، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۵۳۰۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۲۱۹؛ سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۶۴ «ذیل آیه ۵ سوره اسراء») و دیگر خصایص و ویژگی‌های خاص سیدالشهدا علیه السلام

درآمد ۹

از آن ذوات مقدس مقدر می‌شد، حال ایشان نیز چنین می‌بود و مسأله به قدر سرسوزنی تغییر نمی‌کرد.

البته مصائب و دشواری‌های زندگی رسول خدا، حضرت امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، و امام حسن مجتبی علیه السلام نیز اندک و آسان نبود. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر از ناحیه مشرکان و منافقان آزار دیدند که فرمودند:

ما أَوْذِي نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أَوْذِيْتُ؛^(۱) هیچ پیغمبری مانند من مورد آزار و اذیت قرار نگرفت.

همچنین کسی که خطبه «شقشقیه» امیرمؤمنان علیه السلام، و نیز خطبه حضرت زهرا علیها السلام را پس از غصب فدک در جمع مهاجران و انصار، و نیز خطبه امام حسن مجتبی علیه السلام را در جمع سپاهیان‌شان که از یاری و پشتیبانی ایشان سر باز زدند، مورد تأمل قرار دهد به عمق مظلومیت و فداکاری آنان و انبوه مصیبت‌های دردناکشان پی خواهد برد. البته همان طور که گفتیم هیچ مصیبتی مانند مصیبت حضرت

۱ . (مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۴۷).

۱۰ خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

سیدالشهدا علیه السلام نیست. امام حسن علیه السلام به برادر ارجمندشان امام حسین علیه السلام فرمودند:

لَا يَوْمٌ كِيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛^(۱) یا ابا عبدالله، هیچ روزی مانند روز [مصیبت بار] تو نیست.

۱ . (امالی صدوق، ص ۶۶۵).

می‌توان به قطع و یقین گفت که همانند این تعبیر بی‌مانند که این جا در حق امام حسین علیه السلام وارد شده، در هیچ یک از دعاها و زیاراتی که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده نیامده است. از این روست که علما در تفسیر این فقره دچار حیرت شده‌اند و یکی از این افراد علامه مجلسی است که این زیارت را در بحار الانوار به نقل از ابن قولویه ذکر کرده است.

ابتدا و پیش از پرداختن به تفسیر این فقره، معنی برخی از مفردات آن، نظیر «ضمّن» را بررسی می‌کنیم. «ضمان» یکی از ابواب فقهی است که در خصوص چگونگی ضمانت و نیز عمل به مقتضای آن، میان شیعه و مخالفان اختلاف نظر وجود دارد. مشهور علمای عامه (سنّی‌ها) آن را «ضمّ ذمة إلى ذمة (پیوستن دو ذمه به هم)» تعریف کرده‌اند ولی مشهور فقهای شیعه ضمان را «نقل ذمة الى ذمة (انتقال دادن ذمة از شخصی به شخص دیگر)» می‌دانند.

ضامن خون سیدالشهدا علیه السلام کیست؟

در یکی از زیارت نامه‌های سیدالشهدا علیه السلام که ابن قولویه قمی رحمه الله^(۱) در کامل الزیارات^(۲) و به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام آورده است، آن حضرت جدشان امام حسین علیه السلام را این گونه خطاب کرده‌اند:

وَضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دِمَاكَ وَثَارَكَ^(۱) و خدای متعال
زمین و ساکنانش را ضامن خون تو و گرفتن تاوان آن قرار داده
است.

-
- ۱ . ابن قولویه (ت: ۳۶۸ق) استاد شیخ مفید بوده، و شیخ مفید به واسطه او از مرحوم کلینی روایت می‌کرده است. آرامگاه ابن قولویه و شاگردش شیخ مفید هر دو در کاظمین است.
 - ۲ . جماعتی از فقها و محدثان شیعه این کتاب را از صحیح ترین و معتبرترین کتب امامیه دانسته‌اند.

ضامن خون سیدالشهدا علیه السلام کیست؟ ۱۳

برای روشن شدن مطلب به این مثال توجه کنیم: فرض کنیم که شخصی به نام احمد، به سبب قرض مثلاً، مالی بر عهده و ذمه شخص دیگری به نام محمود داشته باشد و شخص سومی به نام حامد ضامن محمود شود. در این مثال بر حسب رأی مشهور شیعه، احمد حق ندارد مال خود را از محمود مطالبه کند؛ زیرا حامد پس دادن آن مال را برگردن گرفته و ذمه محمود به حامد انتقال یافته است و از این پس مال یادشده را باید از او مطالبه نمود. اما بر اساس دیدگاه مشهور میان عامه (سنی‌ها) احمد می‌تواند پولش را از هر کدام (از محمود یا حامد) که خواست مطالبه کند. البته هر کدام از این دو نفر اگر پول احمد را پرداخت کرد دیگر احمد حقی در مقابل هیچ کدام از آن دو نفر نخواهد داشت.

به هر حال در هر دو دیدگاه یادشده ضامن در برابر صاحب حق مسئول است و باید پول او را بدهد؛ چه بگوییم ذمه به او منتقل شده و فقط او مسئول است و چه بگوییم او و شخص ضمانت شده هر دو مسئولند.^(۱)

۱. متن فوق همراه با تغییراتی آمده است تا مطلب روان تر شود و عموم مردم بتوانند استفاده کنند، زیرا سخنرانی در جمع عده‌ای از علما و فضلاء حوزه علمیه بیان شده است.

۱۴.....خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

ظاهر عبارت امام صادق علیه السلام که فرمودند: «وَضَمَنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا» این است که خدای سبحان مسئولیت خون امام حسین علیه السلام را بر دوش زمین و ساکنان آن نهاده است؛ به عبارت دیگر چون خون پاک ایشان روی آن ریخت، زمین و ساکنانش ضامن و مسئول خون امام حسین علیه السلام شدند.

تردیدی نیست که عدل الهی یعنی اعتقاد به این که خدای تعالی از هرگونه ستم منزه است، نزد پیروان اهل بیت علیه السلام از اصول دین به شمار می‌رود. پذیرش این اصل مستلزم آن است که هرچه در روایات اهل بیت علیه السلام وارد می‌شود با منطق عدل الهی سازگاری و همخوانی داشته باشد، و هر تفسیری از سخنان اهل بیت علیه السلام که با اصل عدل الهی ناسازگار باشد، از قبل ناپذیرفتنی است و اجمالاً یا تفصیلاً مردود است.

معنای ضمانت زمین

نص کلام امام علیه السلام در زیارت یادشده، «ارض» یعنی تمام زمین را مسئول خون سیدالشهدا علیه السلام دانسته است و دلیلی در دست نداریم که لفظ «زمین» را از معنای اصلی و شمولی به زمین خاصی منصرف کند. این در حالی است که کلمه «کربلا» یعنی همان زمینی که خون امام حسین علیه السلام روی آن ریخت در روایات و زیارت نامه‌های دیگر فراوان

تکرار شده است و نیز کلمه «کوفه» (زمینی که سپاهیان و دشمنان امام علیه السلام برای نبرد با ایشان از آن جا خارج شدند) نیز بارها در روایات آمده است. اما هنگامی که به این زیارت مراجعه می‌کنیم می‌بینیم لفظ «ارض» به صورت مطلق آمده و شامل همه کره زمین است. از این رو علما حق دارند که در توجیه و تفسیر این فرمایش امام صادق علیه السلام دچار حیرت شوند، هر چند آن بزرگوار البته سخنان نامفهوم نمی‌فرمایند؛ زیرا گذشته از مقام عصمت و امامت، ایشان از خانواده‌ای است که در اوج بلاغت و سخنوری قرار دارند. با این حال چرا فرموده‌اند: خدای تعالی خون پاک سیدالشهدا علیه السلام را برگردن زمین نهاده است؟ این مسأله چه ارتباطی می‌تواند با زمین داشته باشد؟ مگر زمین بود که امام حسین علیه السلام را به قتل رساند؟ از طرفی اگر منظور از زمین در این جا زمین کربلا باشد ما می‌دانیم که خدای تعالی به واسطه امام حسین علیه السلام جایگاه و ارزش فوق العاده‌ای بدان بخشیده^(۱) و حتی آن را با شرافت تر از کعبه قرار داده است و این، از

۱. در این باره می‌توان به کتاب کامل الزیارات مراجعه کرد.

جمله عطا‌های استثنایی خدای تعالی به آن حضرت، و از جمله خصایص ایشان می‌باشد. ولی منظور امام صادق علیه السلام صرف زمین کربلا نبوده و تمام زمین‌ها را به صورت مطلق اراده فرموده است. سخن این جاست که وقتی امام حسین علیه السلام تنها در یک نقطه از زمین به شهادت رسیده‌اند، چرا خدای متعال تمام زمین‌ها را مسئول خون پاک ایشان قرار داده است؟

علما در فهم این فرمایش امام صادق علیه السلام دچار حیرت شده‌اند. گروهی گفته‌اند: از آن جا که امام حسین علیه السلام روی کره زمین به شهادت رسیده است خدای تعالی همه زمین‌ها را مسئول کیفر کردن قاتلان آن حضرت - در هر جا که دفن شوند - نموده، و این پیمان وضمانتی است که خدای متعال از زمین ستانده است. بنابراین، این فقره ناظر به یکی از خصایص سیدالشهداست که خدای متعال فقط برای ایشان قرار داده، و امام صادق علیه السلام در این جا پرده از آن برداشته است. اما دانستن این که زمین چگونه این تکلیف و دستور الهی را اجرا می‌کند، ارتباطی به ما ندارد. زمین خود تکلیف خود را

می‌داند و ما را همین بس که بدانیم زمین مکلف است و وظیفه و تکلیف خود را ادا خواهد نمود.

فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ^(۱) پس خدا به آسمان و زمین فرمود: خواه یا ناخواه رام شوید. گفتند: البته رام و تسلیم هستیم.

واز آن جا که خدای متعال چیزهایی به امام حسین علیه السلام عطا کرده که به احدی عطا نکرده، ایشان را با عالم تکوین گره زده و مسئولیت خون مبارکشان را برعهده تمام زمین قرار داده است چنان که گویی این جنایت بزرگ روی تمام نقاط زمین صورت گرفته است. بنابراین فهم تعبیر «ضامن بودن زمین» آسان خواهد شد چون که مسئولیت زمین مسئله‌ای تکوینی است و ربطی به تشریع ندارد و پرداختن به آن ضرورت ندارد فقط همین قدر کافی است که بدانیم خدای سبحان خون امام حسین علیه السلام را به عهده زمین قرار داده است و این اشکالی ندارد.

۱. فصلت (۴۱)، آیه ۱۱.

معنای ضامن بودن ساکنان زمین

نکته دیگری که در زیارت نامه منقول از امام صادق علیه السلام شایان تأمل بیشتر است تعبیر «ساکنان زمین» می‌باشد که نشان می‌دهد ما و تمام فرزندان و نیاکان و نسل‌های پیش و پس از ما و کسانی که هنوز پا به عرصه گیتی نهاده‌اند یعنی از ابتدای عالم تا انتهای آن همگی مسئول و ضامن خون آن حضرت و مکلف به گرفتن تاوان ایشانیم.

پس من و شما نیز مسئولیم و تمام کسانی که امروزه و در آینده در تمام نقاط کره زمین زندگی می‌کنند، این مسئولیت را بر عهده دارند. زیرا کلمه «من» در این عبارت موصوله است و همان طور که علمای لغت و اصول گفته‌اند ظهور در عموم دارد. از این رو معنای عبارت چنین خواهد بود: خدای تعالی مسئولیت خون امام حسین علیه السلام را بر دوش کره زمین و تمام چیزها و کسانی که روی آن هستند قرار داد.

سؤال این جاست که ما در زمان بنی امیه زندگی نکردیم و شاهد شهادت امام حسین علیه السلام نبودیم، پس چگونه در این زمینه مسئولیت

معنای ضامن بودن ساکنان زمین ۱۹

داریم و مسئول چه چیزی خواهیم بود؟ اصلاً خود امام صادق علیه السلام در زمان جدشان در قید حیات [ظاهری] نبودند و شهادت ایشان را ندیدند والا اگر حضور داشتند البته ایشان را یاری می نمودند. با این همه چگونه است که می فرمایند: هر چه روی زمین است مسئول خون ایشان و موظف به گرفتن تاوان خون مبارکشان است؟

بنابراین این کلام باید معانی دیگری فراتر از آنچه گفتیم داشته باشد. در متن روایت چنین آمده است: «و خدای متعال زمین و ساکنانش را ضامن خون تو و گرفتن تاوان آن قرار داده است» روشن است که خون یک چیز است و خونخواهی چیز دیگر. خونخواهی یعنی گرفتن انتقام خون ریخته شده. علامه مجلسی رحمه الله از معنای حقیقی و آشکار این عبارت دچار شگفتی شده و چه بسا آن را با عدل الهی ناسازگار دانسته است؛ بدین معنا که چگونه ممکن است خدای متعال زمین و تمام زمینیان را مسئول این فاجعه بداند در حالی که در میان آنان افرادی هستند که از قتل سیدالشهدا علیه السلام ناخرسندند و از قاتلان آن حضرت بیزار

۲۰.....خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

و متنفرند؟ اصلاً چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که انبیا و اولیا و اهل بیت علیهم السلام نیز در میان زمینیان هستند؟

پس در این جا فقره یادشده را نمی توانیم بر معنای حقیقی^(۱) آن حمل کنیم؛ زیرا در آن صورت مسئولیت قتل امام حسین علیه السلام حتی بر دوش کسانی قرار خواهد گرفت که در این جنایت نه تنها همکاری نکردند بلکه از ارتکاب آن ناخرسند نیز شدند، و چون چنین چیزی با منطق عدل الهی سازگاری ندارد، مجبور می شویم دست به توجیه و تأویل بزنیم. بنابراین عبارت فوق را نمی توان بر معنای حقیقی آن حمل نمود و لازم است دنبال نزدیک ترین معنای مجازی بگردیم. برای عدول به معنای مجازی، قرینه (دلیل) عقلی نیز در این مثال وجود دارد که همانا عدل الهی است. البته مشکل به مسئولیت خون (دمک) باز می گردد و ظاهراً در خون خواهی مشکل علمی وجود ندارد.

۱. فقها می گویند: هرگاه حدیث صحیحی در دست داشتیم که در آن به عنوان مثال صیغه امر به کار رفته بود، ظاهر صیغه امر بر معنای حقیقی (یعنی وجوب) دلالت دارد، مگر آن که قرینه ای (دلیلی) در دست باشد که نشان دهد معنای وجوب مورد نظر نیست که در آن صورت صیغه امر را بر استحباب حمل می کنیم.

حضرت ابراهیم و واقعه کربلا

خدای متعال مسئولیت خونخواهی از امام حسین علیه السلام را بر دوش زمین و زمینیان نهاده و این قضیه را به مسائل تکوینی پیوند زده است. این مسأله شواهد فراوانی در روایات متواتر دارد؛ برای مثال روایت شده است که جناب ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که سوار بر اسب از سرزمین کربلا می‌گذشت از اسب بر زمین افتاد و سرش شکافت و خون از آن جاری شد. در این هنگام شروع به استغفار و پوزش طلبی از خدای متعال کرد و گفت: خدایا، چه تقصیری از من سر زده است؟ جبرئیل بر وی فرود آمد و گفت:

یا ابراهیم، ما حدث منك ذنبٌ ولكن هنا يقتلُ سبطُ خاتمِ الانبياءِ وابنُ خاتمِ الاوصياءِ فسالَ دمكَ موافقةً لدمه؛^(۱)

ای ابراهیم، گناهی از تو سر نزده است اما در این سرزمین نواده خاتم رسولان و فرزند خاتم الاوصیا کشته می‌شود و خون تو برای همراهی با خون اوست که جاری شد.

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

آیا این مصداق روشنی از ارتباط امام حسین علیه السلام با عالم تکوین نیست؟ ابراهیم خلیل الرحمان هزاران سال پیش از واقعه کربلا می‌زیسته است و شیخ الانبیا^(۱) به شمار می‌رود، ولی با این حال هنگام گذشتن از سرزمین کربلا سرش شکافته می‌شود.

این که ابراهیم خلیل با این همه عظمت، خون سرش برای همراهی با خون مبارک سیدالشهدا علیه السلام جاری می‌شود، بدان سبب است که کشتن امام حسین علیه السلام کشتن کرامت و اسلام و تمام پیامبران است؛ زیرا با شهادت امام حسین علیه السلام تمام معنویات کشته شد و کون و مکان زیر و زبر و دگرگون گردید.

از این رو خدای حکیم مسئولیت خونخواهی ایشان را بر دوش زمین و زمینیان نهاد و این معنای «ضَمَنَ الارضَ ومن علیها دمکَ وثارکَ» می‌باشد. منظور از خونخواهی امام حسین علیه السلام فقط کشتن

۱. حضرت ابراهیم ابو الانبیا و شیخ المرسلین است که خدای متعال از میان تمام آفریده‌هایش اعم از انس و جن و ملک او را به عنوان دوست برگزیده است. بسیاری از شعائر مقدس را در مکه مکرمه برای نخستین بار آدم ابو البشر علیه السلام انجام داد، ولی برای تعظیم و احترام حضرت ابراهیم علیه السلام به ایشان نسبت داده شده است.

حضرت ابراهیم و واقعه کربلا..... ۲۳

قاتل آن حضرت نیست، بلکه این مسأله در جمادات، ناظر به مسأله‌ای تکوینی است و در انسان‌ها به معنای مسئولیتی است که در قبال این ماجرا بر دوش آنها قرار دارد.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ
الْكَاتِبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ
يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مَصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ
وَيَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^(۱)

هنگامی که ماه محرم محرم فرا می‌رسید تا ده روز کسی پدرم را خندان نمی‌دید و اندوه در چهره‌اش موج می‌زد. هنگامی که روز دهم محرم فرا می‌رسید آن روز، روز اندوه و ماتم و زاری او بود و می‌گفت: این همان روزی است که [جدم] حسین علیه السلام در آن کشته شد.

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۲۸.

۲۴..... خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

مسئولیت ما در قبال سیدالشهدا علیه السلام

ماه محرم ویژگی بی‌نظیری نسبت به دیگر ماه‌ها دارد. به محض آن که هلال ماه محرم پدیدار می‌شود، نام امام حسین علیه السلام را که در روز دهم این ماه مظلومانه به شهادت رسید، بی‌درنگ در خاطر انسان زنده می‌کند و مسئولیت ما را در قبال آن حضرت و زنده نگاه داشتن شعله نامش به یاد می‌آورد. از میان این مسئولیت‌ها می‌توان به دو امر زیر اشاره نمود:

اول: معرفی امام حسین علیه السلام و ماجرای کربلا و بیان اهداف و ارزش‌های آن حضرت و کوشش برای آگاه کردن تمام انسان‌های شرق و غرب زمین از مصائبی که بر او و خاندان و یاران گرامی‌اش وارد شد.

روز یازدهم محرم هنگامی که عقيله بنی‌هاشم، حضرت زینب کبری، فرزند برادر خود، حضرت امام سجاد علیه السلام را مشاهده کرد که از شدت اندوه طاقت فرسا نزدیک بود جان مبارکشان از کالبد تن خارج شود به ایشان عرضه داشتند:

لَا يَجْزِعُكَ مَا تَرَى فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى
جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ، وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ أَنَسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا

تَعْرِفُهُمْ قَرَاعِنَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَهُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ
أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُؤَارِئُونَهَا وَهَذِهِ الْجُسُومَ
الْمُضَرَّجَةَ، وَيَنْصِبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ لَا
يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَعْفُو رُسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَلَيَجْتَهِدَنَّ
أَيْمَةُ الْكُفْرِ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَتَطْمِيسِهِ، فَلَا يَزْدَادُ
أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُورًا، وَأَمْرُهُ إِلَّا عُلُوءًا؛^(۱) مبدا این چیزها تو را بی‌تاب
کند. به خدا قسم این وعده‌ای است که رسول خدا ﷺ به پدر
بزرگ، پدر و عمویت داده است. خدا با گروهی از این امت - که
فرعون‌های امت آنان را نمی‌شناسند ولی در میان اهل آسمان‌ها
شناخته شده‌اند - پیمان بسته است که این اعضای پراکنده را گرد
آورند و این بدن‌های غرقه به خون را به خاک سپارند. این گروه
برای طف و مرقد پدر بزرگوارت نشانه‌ای برپا خواهند کرد که
هیچ‌گاه از میان نخواهد رفت و گذر شبان و روزان، نشان آن را
نخواهد زدود. هر قدر پیشوایان کفر و پیروان گمراهی در زدودن

واز بین بردن آن بکوشند، روزبه روز اثر آن پدیدارتر و نام آن
بلند آوازه‌تر می‌شود.

بنابراین شایسته است در اقامه عزاداری سیدالشهدا ﷺ بکوشیم
و مردم را نسبت به احیای شعائر حسینی به شکل‌های گوناگون و شیوه‌های
درست و مشروع فرا خوانیم.^(۱)

دوم: مسئله دیگر پیروی از امام حسین ﷺ و دنبال کردن اهداف بلند آن
حضرت است که در حقیقت چنین چیزی از امت رسول الله ﷺ انتظار
می‌رود و باید گفت مسأله اول مقدمه‌ای برای رسیدن به این هدف مهم تر است.
در یکی از زیارت‌های سیدالشهدا ﷺ آمده است:

وَبَلَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ
الضَّلَالَةِ؛^(۱) خدایا، امام حسین ﷺ خون قلب پاکش را در
راه تو داد تا بندگان را از نادانی و حیرت گمراهی برهاند.

۱. البته مراعات شرع انور برای فهمیدن حلیت یا حرمت شیوه‌های عزاداری لازم است
و این کار با مراجعه به کارشناسان این امر یعنی فقهای بزرگوار و مراجع عظام تقلید
شدنی است؛ زیرا آنان شیوه‌های جایز عزاداری را به ما می‌شناسانند و ما را از
مراجعه به دیگران یا گفتارهای بدون پشتوانه علمی آسوده می‌نمایند.

لام در «لیستنقذ» لام تعلیل است؛ یعنی هدف وانگیزه فداکاری امام حسین علیه السلام نجات دادن بندگان از جهالت و گمراهی بود. منظور از «عبادك» تمام بندگان خدای متعال هستند، چه مؤمن باشند و به واسطه امام حسین علیه السلام از درجات بالاتری از هدایت برخوردار شوند و چه غیر مؤمن باشند و به برکت امام حسین علیه السلام راه هدایت ببینند. برای این که هدف امام حسین علیه السلام را دنبال کنیم و بینش و منش آن امام همام را چراغ راهمان سازیم خوب است در زیارت نامه‌های آن حضرت بیشتر تأمل نماییم. برای مثال کتابی مانند بحار الانوار در همه جا یافت می‌شود و تهیه آن آسان است. می‌توانیم زیارات امام حسین علیه السلام را که در این کتاب هست با دقت بخوانیم و در مفاهیم آن تأمل کنیم؛ زیرا مطالب بسیاری هست که از اندیشیدن در مضامین این زیارت‌ها عاید انسان می‌شود. کوتاه سخن این که معرفی سیدالشهدا علیه السلام از طریق اقامه مجالس عزاداری - از یک سو - و کوشش برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های ایشان

نظیر هدایت بندگان از نادانی و حیرت گمراهی به سوی نور اسلام و ایمان - از سوی دیگر - از جمله مسئولیت‌هایی است که در زمینه خونخواهی آن امام بزرگوار بر دوش ما قرار دارد.

پس آستین همت بالا بزنیم و به خصوص در ماه‌های محرم و صفر در این راه بکوشیم. بلکه پیش از فرا رسیدن این دو ماه آمادگی‌های لازم را کسب، و تمام نیروهای مان را در این راه بسیج کنیم تا آرمان‌ها و ارزش‌های والا و مورد نظر سیدالشهدا علیه السلام را از طریق دسته‌های عزاداری، مجالس روضه خوانی و اقامه شعائر، نمایش‌ها و فیلم‌های نمادین، پایگاه‌های اطلاع رسانی، ماهواره‌ها، برگزاری همایش، سخنرانی و هر وسیله ممکن تحقق بخشیم. اینها همگی جزء مسئولیت‌های ماست که از این فرمایش امام صادق علیه السلام دریافت می‌شود: «و خدای متعال زمین و ساکنانش را ضامن خون تو و گرفتن تاوان آن قرار داده است» چه بسیارند کسانی که با امام حسین علیه السلام و بینش و منش ایشان آشنا نیستند و مسئولیت ما در قبال این افراد چقدر سنگین است. از خدای متعال می‌خواهیم ما را در خدمت کردن به اسلام و تلاش جدی در ستاندن تاوان خون

کیفر استثنایی دشمنان امام حسینعلیه السلام ۲۹

حضرت سیدالشهدا علیه السلام از این طریق (یعنی معرفی امام حسین و آرمان‌های مقدس ایشان به تمام جهانیان) موفق بدارد.

کیفر استثنایی دشمنان امام حسین علیه السلام

کسی که خود را وقف خدمت به امام حسین علیه السلام کند و دیگران را به شرکت در مراسم عزاداری ایشان تشویق نماید، خدای متعال با او به شکلی استثنایی برخورد خواهد کرد. همچنین کسانی که در آن زمان از یاری آن حضرت سر باز زدند، یا امروزه حرمت مجالس عزاء و مناسبت‌های ایشان را نگاه نمی‌دارند با کیفری بی‌مانند و استثنایی در دنیا و آخرت روبه‌رو خواهند شد. به عبارت دیگر همان‌طور که پاداش یاوران و خدمتگزاران آن حضرت استثنایی است، عقوبت کسانی که به ایشان و مجالس عزاداری اهانت کنند نیز استثنایی و منحصر به فرد می‌باشد.

مرحوم اخوی اعلی الله درجاته در یکی از کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند که روزی نزد شخصی از خاصیت شفاعت بخشی تربت امام حسین علیه السلام سخن به میان آمد. اما آن شخص که این قبیل امور را به استهزا می‌گرفت، نسبت به تربت امام حسین علیه السلام جسارت نمود.

۳۰..... خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

این شخص با این که در کمال سلامت جسمی قرار داشت، تا فردای آن روز دوام نیاورد و مُرد. برخی گفته‌اند این شخص از دولتمردان حکومت عباسی بود. در این مورد هر چند این شخص در کربلا نبود و در آن جنایت شرکت نداشت ولی عالم تکوین او را کیفر نمود و جسارت او را به تربت امام حسین علیه السلام پاسخ داد.

همچنین آورده‌اند که روزی از عبدالله بن رباح قاضی درباره علت نابینایی‌اش سؤال شد. در پاسخ گفت: من در کربلا حاضر بودم ولی نبرد نکردم. یک شب در خواب مرد ترسناکی را دیدم که به من گفت: رسول خدا ﷺ تو را فرا می‌خواند. به او گفتم: من تاب دیدن پیغمبر را ندارم. اما آن مرد مرا کشید و نزد رسول الله آورد. دیدم آن حضرت اندوهگین است و در دستش سلاح و در برابرش سفره‌ای چرمی قرار داشت و ملکی با شمشیری آتشین ایستاده بود که گردن مردمان را با آن می‌زد و بر اثر آن آتش می‌گرفتند و می‌سوختند، سپس زنده می‌شدند و دوباره آنان را می‌سوزاندند. گفتم: درود خدا بر تو ای رسول الله، به خدا قسم که من نه شمشیر زدم، نه نیزه‌ای به دست گرفتم، و نه تیری پرتاب کردم. رسول خدا ﷺ گفت: آیا

موجب افزایش سیاهی لشکر دشمن نشدی؟ پس از آن از طشت پُر خونی که در برابر او بود مقداری خون برداشت و بر چشمانم مالید. در آن هنگام چشمانم آتش گرفت و از خواب پریدم. وقتی از خواب بیدار شدم دیدم نابینا شده‌ام.^(۱)

در حقیقت این شخص به شرکت کردن در قتل امام حسین علیه السلام راضی نبود ولی از خشم ابن زیاد هم می‌ترسید. لذا این فکر به ذهنش رسید که صرفاً از کوفه خارج و در کربلا حاضر شود ولی نبرد نکند. با این که چنین شخصی دست به شمشیر و نیزه نبرد و دستش به جنایت آلوده نشد، اما چنین عذاب دردناکی چشید. وقتی وضع چنین شخصی این باشد، پس عاقبت کسی که در قتل امام حسین علیه السلام شرکت کند یا پس از ایشان با عزای آن حضرت مخالفت و نبرد نماید چه خواهد بود؟

شمار کسانی که در کربلا و نبرد با ابا عبدالله الحسین علیه السلام شرکت جستند، بنا بر کمترین روایات سی هزار نفر می‌باشد.

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۳.

چنین کسی که جز حضور در کربلا مرتکب هیچ کاری نشده، در میان این خیل عظیم چه نقشی می‌تواند داشته باشد که چنین عذاب دردناکی را متحمل شد؟ این عذاب فقط برای صرف حضور او در صف دشمنان بود و شرکت ما در صف عزاداران آن حضرت نیز از همین قبیل است. هر چند حجم مشارکت ما در قیاس با حجم عظیم مردمی که در عزاداری شرکت می‌کنند، ناچیز است با این حال هرگز نباید کسی نقش مشارکت خود را در عزاداری و میزان تأثیرگذاری آن ناچیز بپندارد یا هنگام زیارت آن حضرت، خود را قطره‌ای ناچیز در میان دریای موج عزاداران ببیند و خود را دست کم بگیرد. بلکه همیشه باید در مجالس عزاداری و در میان زائران و سوگواران آن حضرت شرکت کند؛ زیرا هم یاوران و تأییدکنندگان امام حسین علیه السلام پاداش استثنایی خواهند داشت و هم کسانی که با عاشورا و امام حسین علیه السلام به معارضة و مخالفت می‌پردازند کیفری بی‌مانند و استثنایی در انتظارشان خواهد بود. بنابراین باید بکشیم که با دست یا زبان، ضد هیچ یک از شعائر حسینی اقدامی انجام

کیفر استثنایی دشمنان امام حسینعلیه السلام ۳۳

ندهیم و سخنی به زیان عزاداران آن حضرت بر زبان نیاوریم و عیوب آنان را فاش نکنیم.

نقل شده است که در زمان مرجع بزرگوار آیت الله العظمی بروجردی قدس سره دو نفر بودند که نسبت به عزاداری امام حسین علیه السلام برخورد نامناسبی از خود نشان دادند که هر چند در نظر برخی از ما کوچک و آسان بیاید در نظر خدای متعال بس بزرگ است. یکی از این دو نفر برخی از انواع عزاداری را استهزا می کرد. نفر دوم دامادی مؤمن داشت که نسبت به حضور در مجالس عزاداری بسیار پایبند بود، ولی او به جای تشویق دامادش بر این حضور عاشقانه و پیگیر، دائماً او را دلسرد می کرد و از عزم جدی او می کاست و می گفت: این همه اهتمام و مشارکت لازم نیست. همین که گهگاه شرکت کنی کافی است. در یکی از سال ها شب دهم محرم یکی از آن دو نفر خواب هولناکی دید که بعدها آن را برای مرحوم بروجردی نقل کرد. او در خواب دید که گویا قیامت فرا رسیده است و او به همراه آن دوستش که عزاداری را سبک می شمرد و در صحرای محشر حیران و سرگردانند و نمی دانند چه سرنوشتی در

۳۴.....خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

انتظار آنهاست. در آن هنگام باغی مصفا مشاهده کردند که گفته شد حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آن جا به همراه دوستانشان در آن نشسته اند و با یکدیگر به گفتگو مشغولند. آن دو نفر گفتند: ما نیز از دوستان آن سیدالشهدا علیه السلام و عزاداران آن حضرتیم. پس برویم و ایشان را زیارت نماییم. اما همین که خواستند نزد امام علیه السلام بروند و در حلقه دوستان آن جناب در آیند ملائکه موکل مانع ورود آنان شدند. آنها تعجب کردند و علت را جویا شدند. به آنها گفته شد: این طور به ما دستور داده اند. مگر شما فلانی و فلانی نیستید؟ گفتند: بله، ولی چرا اجازه ورود نداریم؟ وقتی اصرار کردند یکی از فرشتگان وارد شد و وقتی بیرون آمد گفت: یکی از شما به جای تشویق دامادش به شرکت در عزاداری، او را دلسرد می کرد و دیگری عزاداری را سبک می شمرد. در این هنگام آن شخص با وحشت از خواب پرید و تا صبح نتوانست بخوابد. صبح با هر زحمتی که بود خود را به خانه دوستش رساند و از او خواست با هم به حرم امام حسین علیه السلام بروند. وقتی به آن جا رسیدند ماجرای خوابش را برای دوستش بازگفت و هر دو شروع به گریه کردند و از امام علیه السلام

ثواب استثنایی زیارت امام حسین علیه السلام ۳۵

خواستند از گناهانشان بگذرد و پیمان بستند که هرگز چنان گناهی را تکرار نکنند.

این دو نفر به واسطه رویایی صادقه از خواب غفلت بیدار شدند و به توبه و جبران گذشته‌ها پرداختند.

ثواب استثنایی زیارت امام حسین علیه السلام

از جمله عطا‌هایی که خدای متعال فقط به امام حسین علیه السلام داده، به زیارت ایشان مربوط می‌شود. بدین معنا که زیارت ایشان حتی در حالت ترس نیز استحباب دارد و چه بسا ثواب آن دوچندان می‌شود. در حالی که حج با همه عظمتی که دارد، مشروط به خالی بودن مسیر از خوف و خطر است و جمع فراوانی از فقها فرموده‌اند که اگر شخصی بدون اعتنا به این شرط حج بگذارد و طی راه خطری متوجه او شود، حج او صحیح نیست. برخی پا را از این هم فراتر نهاده و فرموده‌اند: اگر راه توأم با خوف و خطر باشد ولی شخص به سلامت به حج برود، حج او صحیح نخواهد بود؛ زیرا چنین شخصی به این شرط که یکی از شروط استطاعت است اعتنا نکرده است. روشن است که مفهوم استطاعت فقط ناظر به استطاعت مالی

۳۶.....خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

نیست و امنیت راه را نیز شامل می‌شود و در حالتی که راه ایمن نیست استطاعت حاصل نمی‌شود.

اما زیارت امام حسین علیه السلام حتی در حال خوف و ترس استحباب دارد و نسبت به آن سفارش شده است. در طی تاریخ با این که زمامداران ستمگر، زائران حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام را به زندان می‌افکندند و چه بسا دست و پای آنان را می‌بریدند و اموالشان را مصادره می‌کردند، ولی با این حال شنیده نشده است که ائمه علیهم السلام آنان را از این کار نهی کرده باشند، بلکه آنان را به این کار تشویق می‌فرمودند. روایت شده است که ابن بکیر به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: هرگاه از منطقه ارجان می‌گذرم دلم برای زیارت بارگاه جدت [امام حسین علیه السلام] پر می‌کشد، ولی وقتی بدان جا می‌روم در تمام طول راه از سلطان و جاسوسان و نگهبانان مسلح، سخت هراسناک و وحشتزده هستم. امام به او فرمود:

يَا بَنَ بَكِيرٍ، أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ فِينَا خَائِفًا، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّهُ
مَنْ خَافَ لِيَخَوْفِنَا أَظْلَهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ، وَكَانَ مُحَدَّثُهُ
الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَأَمَّنَّهُ اللَّهُ مِنْ أَفْزَاعِ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ، يَفْرَعُ النَّاسُ وَلَا يَفْرَعُ، فَإِنْ فَرَعَ وَقَرَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ

وَسَكَّنَتْ قَلْبَهُ بِالْبِشَارَةِ^(۱) ای پسر بکیر، دوست نداری خدا ببیند که به خاطر ما ترسیده‌ای؟ آیا نمی‌دانی که هرکس به خاطر ما بترسد، خدا او را در سایه عرش خود جای می‌دهد و امام حسین علی‌السلام در زیر عرش الهی [همدم و] هم سخن او خواهد بود و خدا او را از هول و هراس قیامت ایمن می‌دارد؟

چنین کسی وقتی مردم وحشت زده می‌شوند هراسناک نمی‌شود؛ زیرا به محض آن که وحشت زده شود فرشتگان او را دل‌داری می‌دهند و با بشارت دادن به او، او را آسوده خاطر می‌کنند.

همین مسأله باعث شده است که زائران بارگاه ابا عبدالله الحسین علی‌السلام در سرما و گرما و در اوضاع دشوار و با وجود خطرهای گوناگون و دوری راه به سمت بارگاه ملکوتی آن حضرت بیایند و همین امر باعث شده است که امام صادق علی‌السلام با چنین تعبیر بلند و درخشانی آنان را بستايد:

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۰.

اللهم إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشَّخْوصِ إِلَيْنَا وَخِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا فَأَرْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِي قَدْ غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى تُوَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ^(۱) خدایا، دشمنان ما بر بیرون آمدن آنان خرده گرفتند ولی این کار آنان را از آمدن نزد ما باز نداشت و آنان با مخالفان ما از در مخالفت در آمدند. پس بار خدایا این چهره‌هایی را که تابش آفتاب رنگشان را دگرگون کرده است مورد لطف و رحمت خود قرار ده... خدایا من این جان‌ها و این پیکرها را در نزد حضرتت به ودیعت می‌نهم تا در روز تشنگی در کنار حوض کوثر با آنها ملاقات نمایم.

در حدیث محمد بن مسلم آمده است که امام باقر علی‌السلام به او فرمود: آیا نزد قبر امام حسین می‌آیی؟ گفت: آری، البته با بیم و هراس. حضرت به او فرمود:

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۲.

ثواب استثنایی زیارت امام حسینعلیه السلام ۳۹

ما کانَ مِنْ هَذَا أَشَدُّ فَالْثَّوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ؛^(۱)

در این راه هر چه سختی‌ها بیشتر باشد، ثواب نیز بیشتر و به اندازه ترس است.

کسی که در راه خدمت به سیدالشهدا علیه السلام سختی‌ها و مشکلات را تحمل کند، بی‌شک پاداشش بیش از دیگران خواهد بود، و آن دشواری‌ها نیز لطفی است که خدای متعال در حق او روا داشته است. برای مثال کسی که یک میلیون تومان در این راه مصرف کند و این مبلغ ده درصد دارایی او باشد، و شخص دیگری همین مبلغ را در راه سیدالشهدا علیه السلام مصرف کند ولی این مبلغ پنج درصد دارایی‌اش را تشکیل دهد، بی‌شک ثواب عمل شخص اول بیشتر خواهد بود.

شخص کارگری با دسترنج خود حسینی‌ای در شهر خود بنا کرد؛ بدین ترتیب که از صبح تا شب کار می‌کرد و در پایان روز، مزدکار روزانه‌اش را به سه قسمت تقسیم، و ثلث آن را به نام امام حسین علیه السلام پس انداز می‌کرد. با گذشت زمان و در پی برکتی که خدا در اموال او قرار

۴۰..... خون سیدالشهدا علیه السلام و مسئولیت ما

داد، با همان پس انداز قطعه زمینی در خارج شهر خرید و دیری نپایید که آن شهر توسعه یافت و زمین یادشده داخل شهر قرار گرفت. پس از آن، مرد کارگر در آن قطعه زمین حسینی‌ای بنا کرد که هیچ‌گاه از رفت و آمد نمازگزاران و عزاداران امام حسین علیه السلام خالی نمی‌شد و البته این مسأله از توفیقات الهی حاصل شد.

در روز قیامت که دارایی و فرزندان به کار انسان نمی‌آید، این مرد حسینی‌ای در کارنامه اعمال خود دارد که آن را وقف حضرت سیدالشهدا علیه السلام کرده است.

ما نیز باید در این راه قدم برداریم و همت خود را مصروف خدمتگزاری به امام حسین علیه السلام کنیم و هیچ خدمتی را در این راه بی‌مانند و استثنایی، کوچک نشماریم؛ زیرا توفیق از جانب خدای سبحان است و خدا تمام اموری را که به امام حسین علیه السلام مربوط است، استثنایی قرار داده است.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

۱ . وسائل الشیعه، ج ۶۴، ص ۴۵۷.